



## حضرت یعقوب (منابع اسلامی)

یعقوب از پیامبرانی است که داستان دعوتشان به طور کامل در [قرآن](#) نیامده و تنها موضوعی از آن جهت درس آموزی و [عبرت](#) اندوزی مطرح گردیده است.

### فهرست مندرجات

- ۱ - معرفی اجمالی حضرت یعقوب (ع)
- ۲ - وقایع دوران یعقوب
- ۳ - ستایش یعقوب در قرآن
- ۴ - یعقوب (ع) اسوه صبر و گذشت
- ۵ - شیوه های تبلیغی حضرت یعقوب (ع)
  - ۵.۱ - ۱. کار و تلاش توأم با اندیشه
  - ۵.۲ - ۲. یاد خدا و قیامت
  - ۵.۳ - ۳. دعوت به اسلام
  - ۵.۴ - ۴. دلسوزی برای همگن و آمرزش خواهی برای خطاکاران
  - ۵.۵ - ۵. صبر و بردباری
  - ۵.۶ - ۶. بصیرت و آینده نگری
  - ۵.۷ - ۷. مهمان نوازی
  - ۵.۸ - ۸. خدمتگزاری مسجد
- ۶ - سرانجام حضرت یعقوب (ع)
- ۷ - پانویس
- ۸ - منبع

### معرفی اجمالی حضرت یعقوب (ع)

یعقوب با [اسرائیل فرزند اسحاق](#) و نوه [ابراهیم](#) است و مادرش دختر [حضرت لوط \(ع\)](#) بود. نامش در قرآن ۱۶ بار ذکر شده است. و یک بار نیز با عنوان اسرائیل از او یاد شده است. یعقوب توسط پدر خود اسحاق نسبت به همه برادران خود و نیز خاندان اسحاق، برتری یافت و برکت گرفت و جانشین وی و ابراهیم گردید و به مقام پیامبری رسید. اسحاق به او دستور داده بود تنها با دختران [بین النهرین](#) (که در آن زمان از بازماندگان [حضرت نوح](#) بودند) [ازدواج](#) کند. و یعقوب نیز چنین کرد. قرآن هم فرزندان یعقوب یا [بنی اسرائیل](#) را «باقیمانده کسانی که با نوح بر [کشتی](#) سوار شده‌اند»، خوانده‌است. حضرت یعقوب چهار زن داشت و از آنان ۱۲ پسر پیدا کرد که به آنان فرزندان اسرائیل و [اسباط](#) دوازده گانه و بنی اسرائیل می‌گویند. لذا یعقوب جد بنی اسرائیل بود. شریعتی که تبلیغ می‌کرد همان [شریعت ابراهیم \(ع\)](#) و [کتب](#) او هم همان [صحف](#) ابراهیم بود.

### وقایع دوران یعقوب

«از وقایع دوران یعقوب، قرآن دو واقعه را ذکر می‌کند. یکی آن که هنگام [مرگ](#) از فرزندان خود پرسید: بعد از من چه کسی را خواهید پرستید؟ گفتند: خدای تو و خدای پدران ابراهیم و [اسماعیل](#) و اسحاق را خواهیم پرستید. واقعه دیگر، داستان یوسف است که یعقوب از حوادثی که بر یوسف می‌گذرد رنج می‌برد و در اندوه [فراق](#) او چشمانش به سپیدی می‌گراید و بالأخره به [وصل](#) یوسف نایل می‌گردد و [شفا](#) می‌یابد.»  
[۱] خزائلی، اعلام قرآن، ص ۱۱۸.

### ستایش یعقوب در قرآن

[ستایش](#) یعقوب در قرآن در چند جا [ذکر](#) شده که در پی می‌آید:

وَإِذْكَرُوا بَعْدَ ذَلِكَ عِدَّةً إِذْ قَالَ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ امْكُتِبُوا فِي الْكِتَابِ فَعَلُوا فِيهَا مَا كَانُوا عَادِينَ. وَإِذْ قَالَ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ امْكُتِبُوا فِي الْكِتَابِ فَعَلُوا فِيهَا مَا كَانُوا عَادِينَ. وَإِذْ قَالَ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ امْكُتِبُوا فِي الْكِتَابِ فَعَلُوا فِيهَا مَا كَانُوا عَادِينَ.

[\[۱۱\] ص/سور ۳۸، آیه ۴۵-۴۷.](#)

و بنندگان ابراهیم و اسحاق و یعقوب را که نیرومند و دیده ور بودند به یادآور. ما آنان را با **موهبت** ویژه‌ای که یاد آوری آن سرای بود خالص گردانیدیم. و آنان در پیشگاه ما جداً از برگزیدگان نیکانند.

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا. وَنَحْنُ أَكْبَرُ.

[\[۱۲\] انعام/سور ۶، آیه ۸۴.](#)

و به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و همه را هدایت نمودیم.

وَإِنَّهُ لَنَوْ عَلِيمٌ لِّمَا عَمَلُوا وَلَكِنْ أَكْثَرُ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ.

[\[۱۳\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۶۸.](#)

و او به برکت دانشی که به او آموختیم دارای علم فراوان بود ولی بیشتر مردم نمی دانند.

## یعقوب(ع) اسوه صبر و گذشت

برای یعقوب در طول زندگی مصیبت ها و حوادث تلخی پیش آمد که کمتر کسی یاری تحمل آن را داشت و رأس آنها فراق چندین ساله(در روایت بین هفده تا هشتاد سال نقل شده، ولی **محمد باقر مجلسی** در **حیة القلوب** بر اسلوس بعضی **روایت**، ۲۰ سال را ارجح می داند).

[\[۱۴\] حیاة القلوب، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۹۵.](#)

یوسف، عزیزترین فرزندش بود. با عنایت به این که وی بر اسلوس علم الهی از ارزش و منزلت والای یوسف با خبر بود، از دست دادن یوسف برایش سخت گران آمد. یعقوب در این مصیبت ها غرق بود، اما آنی از ذکر خدا و سپس نعمت های او غافل نگشت و با **توکل** بر ذات حق تعالی شکیبایی ورزید و به رحمت و **فرج** الهی امیدوار بود. از این رو چون خبر مرگ یوسف را به او دادند گفت: **قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبِّرْ جَمِيلًا.**

[\[۱۵\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۱۸.](#)

گفت: بلکه نفس شما کار بدی را پیش شما آراسته است پس اینک، صبری نیکو می‌کنم.

به علاوه، در برابر فرزندان خطاکار و حسودش که با سهل انگاری یا **خیانت** موجب این مصیبت شده بودند **عفو** و گذشت و حتی آمرزش خواهی در پیش گرفته بود، که این از نهایت کرامت و بزرگواری او حکایت می کرد.

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.

[\[۱۶\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۸.](#)

گفت: بزودی از پروردگارم برای شما آمرزش می‌خواهم. به درستی که او آمرزنده مهربان است.

## شیوه های تبلیغی حضرت یعقوب(ع)

### ← ۱. کار و تلاش توأم با اندیشه

مطابق بیان قرآن، یعقوب نیز چون سایر پیامبران اهل تلاش و کوشش برای کسب معاش و خدمت به خلق خدا بود. این خود می تواند درسی آموزنده از جانب یک **اسوه** قرآنی و حاوی یک روش **تبلیغ** غیر مستقیم باشد.

وَإِذْكَرُوا بَعْدَ ذَلِكَ عِدَّةً إِذْ قَالَ لَهُمُ الْمَلَائِكَةُ امْكُتِبُوا فِي الْكِتَابِ فَعَلُوا فِيهَا مَا كَانُوا عَادِينَ.

[\[۱۷\] ص/سور ۳۸، آیه ۴۵.](#)

و بنندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را به یادآور که ایشان صاحبان قدرت و دیدگان بصیر بودند.

زَمْخَشَرِيٌّ فِي تَبْيِيحِ «أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ» مِي گوید:

منظور این است که اینها صاحبان اعمال و اندیشه ها هستند، گویی کسانی که اعمال نیکو انجام نمی دهند و اندیشه های دینداران در تفکرشان نیست مانند افراد زمین گیری هستند که جوارحشان به هیچ کاری نیاید و مثل کسانی که عقل خویش از کف داده و هیچ بینشی ندارند.

[\[۱۸\] زَمْخَشَرِيٌّ، الكشاف، ج ۴، ص ۹۹.](#)

### ← ۲. یاد خدا و قیامت

حضرت یعقوب در خوشی و ناخوشی همواره یاد خدا را بر زبان و در دل داشت. خداوند طی آیه ای او و ابراهیم و اسحاق را به ویژگی یادآوری عمیق **قیامت** می ستاید:

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ.

[\[۱۹\] ص/سور ۳۸، آیه ۴۶.](#)

ما ایشان را با موهبت ویژه‌ای که یاد سرای دیگر بود، خالص گردانیدیم.

و اینک نمونه هایی از یاد خدا در برخوردها و گفتارهای یعقوب.

- زمانی که فرزندانش خطا کارش، یوسف را به چاه انداخته و عذرهای باطلی تراشیدند، گفت:

فَصَبِّرْ جَمِيلًا وَ اللَّهُ الْمُسْتَعْلَى عَلَيَّ مَا تَصِفُونَ.

[\[۲۰\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۱۸.](#)

و اینک صبری نیکو برای من بهتر است و خدا بر آنچه وصف می کنید، یاری ده است.

- و چون در یکی از سفرهای فرزندانش به حضور **عزیز مصر**، برادر دیگر یعنی **بنیامین** را نیز از دست دادند و باز گشتند، یعقوب امیدوارانه گفت:

فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ.  
[\[۱۲۱\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۸۳.](#)

پس صبر من صبری نیکوست، امید که خدا همه آنان را به سوی من باز آورد، که او دانای حکیم است.  
- و زمانی که خواستند فرزند کوچک را از پدر ستانده و نزد عزیز مصر ببرند، گفته بود:  
قَالَ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ.  
[\[۱۲۲\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۶۴.](#)

پس خدا بهترین نگهدارنده است و اوست مهربان ترین مهربانان.  
- نیز وقتی که فرزندان را در سفر پایانی به سوی عزیز فرستاد، آنها را به رحمت الهی امید بسیار داد.  
يَا بَنِيَّ ادْهَبُوا فَتَحَسَّبُوا مِنْ يَوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُيَسِّرُ لِمَنْ يَشَاءُ اللَّهُ إِلَّا الْكَافِرِينَ.  
[\[۱۲۳\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۸۷.](#)

ای پسران من، بروید و از یوسف و برادرش جست و جو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید، زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی شود.

### ← ۳. دعوت به اسلام

هر چند از دعوت عمومی یعقوب به توحید در قرآن نکرده، اما با توجه به دعوت ویژه خانواده و نیز [رسالت کلی انبیا](#) می توان گفت یعقوب دارای [دعوت عام](#) نیز بوده است، اما ضرورتی برای ذکر آن در قرآن وجود نداشته است. قرآن پس از آن که روی گردانی از [آیین](#) ابراهیم را دلیل سفاقت و نادانی شمرده و دین او را همان [اسلام](#) معرفی می کند، می فرماید:  
وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ.  
[\[۱۲۴\] بقره/سور ۲، آیه ۱۳۲.](#)

و ابراهیم و یعقوب پسران خود را به همان آیین اسلام سفارش کردند و گفتند: ای پسران من خدا برای شما این دین را برگزید، پس نباید جز مسلمان بمیرید.  
و چون هنگام رحلتش فرا می رسد از فرزندان خود بر توحید و یگانه پرستی اعتراف می گیرد:  
أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهُاً وَاحِداً وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ.  
[\[۱۲۵\] بقره/سور ۲، آیه ۱۳۳.](#)

آیا وقتی یعقوب را مرگ فرا رسید حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: پس از من چه را خواهید پرستید؟ گفتند: [معبود](#) تو و معبود پدران ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، معبودی یگانه را می پرستیم و در برابر او [تسلیم](#) هستیم.

### ← ۴. دلسوزی برای همگان و آموزش خواهی برای خطا کاران

با وجود [دروغ](#) ها و توطئه های برادران یوسف، وقتی ایشان پس از رسوایی اظهار ندامت کرده و از پدر طلب [استغفار](#) نمودند، نه تنها آنان را سرزنش نکرد، که به درخواستشان عمل کرد و از خداوند برایشان آموزش طلبید.  
قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.  
[\[۱۲۶\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۸.](#)

گفت: به زودی برای شما از خدا استغفار خواهم کرد که او آمرزنده و مهربان است.  
گفته اند وی استغفار را تا سحر به تأخیر انداخت و قول دیگر این است که طلب مغفرت برای پسران را تا شب [جمعه](#) که هنگام [استجاب دعا](#) است، تأخیر داد و گفته اند این بدان سبب بود تا معلوم شود آیا پشیمانی و توبه آنها صادقانه است یا نه و نیز روایت شده است که در طول بیست و چند سال هر شب جمعه برای ایشان طلب آموزش و استغفار می کرد.  
[\[۱۲۷\] الکتشاف، ز مخشری، ج ۲، ص ۵۰۴.](#)

### ← ۵. صبر و بردباری

چنانکه در آغاز بحث گفتیم استقامت و شکیبایی یعقوب بر [مصیبت فراق](#) یوسف به حدی بود که می توان او را اسوه [صبر](#) و برد باری دانست. وقتی پیراهن دروغین یوسف را برای او آوردند گفت:  
قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرًا جَمِيلًا.  
[\[۱۲۸\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۱۸۳.](#)

گفت: بلکه نفس شما کاری بد را برای شما آراسته است. اینکه صبری نیکو برای من بهتر است.  
و چون فرزند کوچکتر را نیز از دست داد، باز بر شکیبایی و صبر خویش اصرار فرمود:  
فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا.  
[\[۱۲۹\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۸۳.](#)

پس صبر من صبری نیکوست، امید که خدا همه آنان را برای من باز آورد.  
جمله دیگر او نیز نهایت صبر و شکیبایی درونی او را می رساند. زمانی که به او هشدار می دهند که با این همه اندوه و حزن ممکن است خود را تلف کنی، می گوید:  
قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بِنِيِّ وَخَزَنِي إِلَى اللَّهِ وَعَظُمَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ.  
[\[۱۳۰\] یوسف/سور ۱۲، آیه ۸۶.](#)

گفت: من شکایت غم و اندوه خود را پیش خدا می برم و از عنایت خدا چیزی می دانم که شما نمی دانید.

یعقوب به تصریح قرآن دارای اندیشه‌های نافذ و ذهنی بصیر بود (أُولَى الْأَبْصَارِ). نمونه این بصیرت، تیز بینی و آینده نگری را در سفارش یعقوب به یوسف شاهدیم که پس از رویای یوسف مبنی بر مشاهده **سجده** یازده **ستاره** و **ماه** و **خورشید** در مقابل او صورت گرفت و او با توجه به روحیت برادران و حساسیت ایشان بر یوسف، او را از باز گفتن رویا **بپوشید**.

قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا.

[۲۲] یوسف‌سور ۱۲، آیه ۵.

ای پسر، خواب خود را برای برادرانت حکایت نکن، مبدا علیه تو حیل‌های بسازند.

## ← ۷. مهمان نوازی

در روایت، از **مهمان** نوازی یعقوب ذکر مختصری به میان آمده که شیوه‌های مؤثر در نفوذ عاطفی و جذب قلوب مخاطبان و زمینه سازی برای القای پیام های الهی را نشان می‌دهد. **علامه مجلسی** چنین روایت کرده است:

یعقوب یک منادی داشت که هر صبح از کنار منزل او تا یک فرسنگی اعلام می‌کرد: هر کس خواهان طعام است به خانه یعقوب درآید. و هنگام عصر نیز اعلام می‌کرد، هر کس غذای شب می‌خواهد به خانه یعقوب بیاید.

[۲۳] **مجددالقر مجلسی**، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۲۸۴.

## ← ۸. خدمتگزاری مسجد

**سنت** ابراهیمی خدمت به **بیت الله** و عابدان، در سیره سایر پیامبران نیز مشهود است، یعقوب بنا بر روایت رسیده اقامت دائمی و خدمت در **مسجد** و خانه خدا را غنیمت می‌شمرد. **ابن یعقوب** (ع) کن یخدم **بیت المقدس** و کن أول من یدخل و آخر من یخرج و کن یسرج القنادیل.

[۲۴] **نعمت الله جزایری**، قصص الانبیاء، ص ۲۰۲.

یعقوب، خادم بیت المقدس و **مسجد الاقصی** بود و همواره نخستین کسی بود که وارد مسجد می‌شد و واپسین فردی بود که از آنجا خارج می‌گشت و قندیل‌ها و چراغ‌های آن را روشن می‌نمود.

## سرانجام حضرت یعقوب (ع)

حضرت یعقوب ۵۰ سال اهل **کنعان** رابه راه راست و **شریعت حضرت ابراهیم** دعوت کرد. آن حضرت مدت ۱۷ سال در **مصر** زندگی کرد. در هنگام وفات از اندرز های ایشان این است که آمی باید خود کار کند و سربار دیگران نباشد. ایشان تمام عمر به ارشاد و هدایت مردم پرداخت به گونه ای که در ادب و عیادت و احترام به بزرگان و تربیت فرزندان نمونه و مربی بزرگی بود.

یعقوب پس از تحمل و رنج و انوّه بسیار، در ۱۴۰ یا ۱۴۷ سالگی در مصر از دنیا رفت و هنگام مرگ فرزندش حضرت یوسف را به عنوان وصی و جانشین خود معرفی کرد و به ایشان وصیت کرد که جنازه او را به فلسطین ببرد و نزد پدر و جش، اسحاق و ابراهیم، **دفن** کند.

یوسف نیز به **وصیت** پدر عمل کرد و وی را در حرم ابراهیم در شهر الخلیل به خاک سپرد. اکنون نیز **قبر** این خاندان در الخلیل بر جا است.

[۲۵] تاریخ الانبیاء، رسول محلاتی، ج ۱، ص ۲۱۹.

## پانویس

۱. ↑ خزائلی، اعلام قرآن، ص ۱۱۸.

۲. ↑ ص/سور ۳۸، آیه ۴۵-۴۷.

۳. ↑ انعام/سور ۶، آیه ۸۴.

۴. ↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۶۸.

۵. ↑ حیاة القلوب، علامه مجلسی، ج ۱، ص ۱۹۵.

۶. ↑ یوسف‌سور ۱۲، آیه ۱۸.

۷. ↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۹۸.

۸. ↑ ص/سور ۳۸، آیه ۴۵.

۹. ↑ زمخشری، الکشاف، ج ۴، ص ۹۹.

۱۰. ↑ ص/سور ۳۸، آیه ۴۶.

۱۱. ↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۱۸.

۱۲. ↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۸۳.

۱۳. ↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۶۴.

۱۴. ↑ یوسف‌سور ۱۲، آیه ۸۷.

۱۵. ↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۳۲.

۱۶. [↑ بقره/سور ۲، آیه ۱۳۳.](#)  
۱۷. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۹.](#)  
۱۸. [↑ الکشاف، زمخشری، ج ۲، ص ۵۰۴.](#)  
۱۹. [↑ یوسفوز ۱۲، آیه ۱۸.](#)  
۲۰. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۸۳.](#)  
۲۱. [↑ یوسف/سور ۱۲، آیه ۸۶.](#)  
۲۲. [↑ یوسفوز ۱۲، آیه ۵.](#)  
۲۳. [↑ مجتبی‌القر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۲۸۴.](#)  
۲۴. [↑ نعمت الله جزایری، قصص الانبیاء، ص ۲۰۲.](#)  
۲۵. [↑ تاریخ الانبیاء، رسول محلاتی، ج ۱، ص ۲۱۹.](#)

منبع

[اندیشه قم](#)

رده‌های این صفحه: [انبیاء بنی اسرائیل](#) | [پیامبر شناسی](#) | [پیامبران غیر اولوالعزم](#) | [تاریخ انبیاء](#) | [حضرت یعقوب](#) | [قصص قرآنی](#)